

## دين اسلام دين شمشير نيست

### لاکراه في دين

### در (قبول و انتخاب) دين هيچگونه اکراه جاه ندارد

ايمان يک عقد، و پيمان و التزام قلبی و درونی است که انسان با اختيار خود آن را می پذیرد .  
بدین اساس دين مقدس اسلام ايمان اجباري را قبول ندارد و پروردگار با عظمت ما انسان را آزاد گذاشته است تا با تحقيق دين را انتخاب کند . کسانیکه انتخاب کننده دين ناحق باشد آنرا کافر و کسانیکه قبول کننده دين حق باشد آنرا مؤ من مسمی می کند .

دين مقدس اسلام برای انتخاب دين قاعده و قانون را وضع نموده است که پایه و بنياد اين قانون در ( آيه : ۲۵۶ سوره بقره) با ظرافت خاص بيان یافته است :

پروردگار با عظمت ما می فرماید : « لا اکراه فی الدين قد تبين الرشد من الغی ... » ( الايه ( اجبار و اکراهی در ) ( قبول دين ) نيست ، چراکه هدايت و کمال از گمراهی و ضلال مشخص شده است .  
شان زول آيه :

اين آيه در سوره بقره بوده و سوره بقره بعد از هجرت به مدينه آغاز گردیده است . وحی اين سوره زمان آغاز يافت که نظام اسلامی در حال شکل گيری و استحکام بود .

مفسرين میگویند : که اين سوره در باره مردی از اهل مدينه و از قبیله بنی سالم بن عوف ، در مورد شخص بنام « حصين » ، نازل شده است : قصه طوری است که : « حصين » که خودش مسلمان شده بود ، دو پسر داشت که نصرانی بودند و تا هنوز بدین اسلام مشرف نشده بودند .

اين مرد داستان را بحضور محمد صلی الله عليه و سلم عرض داشتند که يا رسول الله ! آیا میتوانيم آن دو را مجبور به قبولی دين اسلام کنم . چون آنان حاضر نيستند که غير از نصرانیت دين ديگری را بپذيرند؟! در جواب آيه شریفه « لا اکراه فی الدين ... » نازل شد .

همچنان برخی مفسرين در شان نزول اين آيه فرموده اند که : مردی از انصار غلامی داشت سیاه پوست بنام « صبيح » میخواستند او را به دين اسلام به زور مجبور سازند . در همین اثنا آيه « لا اکراه فی الدين » بر پیامبر محمد صلی الله عليه وسلم نازل شد و به « صبيح » و تمام مسلمانان هدايت داد شد تا در پيروش دين کوچکترین اجبار و اکراهی را بر مردم روا ندارند و فرمود : که انسان ها از کمال اختيار و آزادی برخوردار میباشند .

همچنان حضرت عمر رضی الله عنه پيره زن نصرانی را به دين مقدس اسلام دعوت کرد ؛ او در جواب گفت : « انا عجز كبيرة والموت اقرب الی » یعنی من پير زن بزرگسالی هستم که مرگم نزديک شده است ؛ چرا در اخر عمر خود مذهبم را رها کنم ؟ حضرت عمر رضی الله عنه بعد از استماع صحبت زن او را بر ايمان آوردن اجبار نه نمود ؛ بلکه اين آيه شریفه را تلاوت نمود که : « لا اکراه فی الدين » یعنی، در دين اجباری نيست» و در حقیقت بر پيروش ايمان زور و اکراه امکان ندارد .

دين مقدس اسلام ارتباط ايمان را با اعضای ظاهری نداشته ، بلکه ايمان و عدم ايمان را از اموری قرار داده است که ارتباط اساسی به خواست خود انسان و ميل و رضایت درونی او دارد . طوریکه خداوند متعال میفرماید : « وقل الحق من ربکم فمن شا عفیؤمن ومن شا عفلیکفر » ( بگو : حق ( همان چیزی است که ) از سوی پروردگار تان ( آمده ) است ( و من آن را با خود آورده ام و برنامه من و همه مؤمنان است ) پس هرکس که میخواهد ( بدان ) ايمان بیاورد و هرکس می خواهد ( بدان ) کافر شود . ) ( الکهف : ۲۹ )

قرآن عظیم الشان محمد صلی الله عليه وسلم را به اين حقیقت متوجه ساخته است که بر تو فقط تبلیغ دعوت واجب است و تو نمیتوانی بر مردم به گرویدن به اسلام اجبار کنی . « فأنت تکره الناس حتی یکنوا مؤمنین »

( یونس : آيه ۹۹ ) « آیا تو ( ای پیغمبر ! ) می خواهی مردمان را مجبور سازی که ايمان بیاورند ؟ ( اين کار نه صحيح و نه سودمند است و نه از دست تو ساخته است ) . و باز در سوره ( العاشیه ) :

آيه : ۲۲ میفرماید : « لست علیهم بمسيطر » ( تو بر آنان چیره و مسلط نيستی )

همچنان قرآن عظیم الشان در سوره الشوری آیه : ۴۸ میفرماید : « فان عرضوا فمأ ارسالنک علیهم حفیظاً ان علیک إلا البلاغ » (اگر ( مشرکان از پذیرش دعوت تو ) روی گردان شدند ( باک مدار و غمگین مشو ) چرا که ما تو را به عنوان مراقب و مواظب ایشان نفرستادیم . بر تو پیام باشد و بس .

همچنان قرآن عظیم الشان در (سوره مزمل آیه : ۱۹ ) میفرماید : « فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلاً » « پس هر کس که بخواهد ( میتواند ) راهی به سوی پروردگارش اتخاذ نماید »

در این آیه متبرکه جمله « من شاء » دلیل بر اختیار و آزادی انسان در انتخاب کفر و ایمان است . « انا هدیناه السبیل إما شاکراً وإما کفوراً » « ما راه را به انسان نشان دادیم ، خواه شکر گذار باشد ( و پذیرا شود ) ، یا ( مخالفت کند و ) کفران نماید . »

در آیات متذکره راه حق و باطل از یکدیگر مشخص شده است و انتخاب هر یک به دست خود انسان است ، او مجبور نیست و در عمل میتواند هر کدام از این راه را که بخواهد انتخاب کند ، لکن اگر راه حق و حقیقت را انتخاب کرد ، به جنت و سعادت ابدی دست می یابد و اگر راه باطل را انتخاب کرد ، به عذاب دردناک ، و جهنم و بدبختی عظیمی گرفتار خواهد شد .

قرآن عظیم الشان در بیش از ( ۱۲۰ ) آیه تاکید نموده است که اسلام بر اساس رضایت قلبی و آموزش محض انتشار یافته است و بعد از عرضه شدن اسلام بر مردم ، بر ای آنها صلاحیت عام تام داده شده است تا در پذیرش و رد دین آزاد باشند . بنابر همین منطبق بزرگ انسانی است که پیامبر محمد صلی الله علیه و سلم بعد از فتح مکه اهل مکه را به حال خود رها کرد و فرمود : « اذهبوا فأنتم الطلقاء » : بروید ، شما آزادیید و بعد از این فتح عظیم و سرنوشت ساز بر آنان ، کسی را به اسلام مجبور نکرد .

در تاریخ اسلام اتفاق نیفتاده که مسلمانان حتی یک نفر مسیحی یا یهودی به جبر و زور به قبولی دین اسلام مجبور کرده باشند .

دین اسلام یگانه دینی است که آزادی واقعی از قید اسارت و بندگی ، را برای انسان به ارمغان آورده است ، اساساً این آزادی همه انواع از استبداد و خود کامگی را در هم شکسته و بسیاری از قید و بند هایی که در جهان متمدن امروز وجود دارد آنرا از پای بشر باز نموده است .

پروردگار ما پیامبر اسلام را مبعوث ساخت تا مردم را از تمام قید و بندهایی که آنان را اسیر خود ساخته بود رهایی بخشد و تمام غل و زنجیر های استبداد ، هوا پرستی ، بندگی شکم و شهوت ، و ثروت ، مقام و قدرت طلبی را از بین برده ، و بشر را بسوی آزادی و واقعی هدایت و رهبری نمود .

علما و مفسرین دین مقدس اسلام آزادی را بدو دسته ( آزادی تکوینی و آزادی تشریحی ) تقسیم بندی نموده اند . آزادی تکوینی بدین معنی و مفهوم است که در نظام آفرینش ، انتخاب راه و عقیده جبر و اجبار وجود ندارد . و انسان به حسب خلقت اش موجودی دارای شعور و اراده بوده ، در انجام و ترک فعل و انتخاب و اختیار خود آزاد است . و در آزادی تشریحی ، هیچ کس حق استعلاء و برتری بر دیگری را ندارد ، و هیچ کس حق ندارد دیگری را غلام و برده و مطیع خود بسازد و اراده و عمل او را مالک شود و خواسته ها و یا عقیده خویش را برخلاف میل و رغبت او بر او تحمیل کند ، زیرا در نظام تشریح همه افراد جامعه بدون استثناء از حقوق مساوی برخوردارند و هیچ کسی حق مزیت و برتری را نسبت به دیگری ندارد .

ولی باید تذکر داد که در آزادی تشریحی تکالیف و قوانین شرعی متوجه انسان است و انسان در برابر این قوانین مسؤل است . این بدین معنی است که در آزادی تشریحی آزادی نامحدود نیست ، بلکه انسان موظف است در مسیر قانون شرعی و الهی حرکت کند و خروج و سر پیچی از آن ، خروج از بندگی الهی است ؛ که خروج از بندگی خدا ظلم به خویش است . « من یتعد حدود الله فقد ظلم نفسه » ( کسیکه از حدود الهی تجاوز و سر پیچی کند به خود ظلم را روا داشته است ) ( طلاق : آیه ۱ )

« ومن یعص الله ورسوله فقد ضلّ ضللاً لا یبینا » ( احزاب : ۳۶ ) هر کس که خدا و رسولش را نافرمانی کند ، به گمراهی اشکاری گرفتار شده است »

بناً از نظر اسلام آزادی که خارج از مسیر حق و صراط المستقیم الهی باشد آزادی نیست ؛ بلکه قید و بندی به ظاهر آزادی است ، که دین اسلام بسیاری از انسانهای به ظاهر آزاد را برده می شمارد ؛ بردگانی که اسیر هوای نفس گشته اند و طعم شیرین آزادی واقعی را که در پرتو بندگی احکام الهی و سنت پیامبر اسلام حاصل میگردد نچشیده اند .

دين اسلام دين موعظه حسنه است و اين دين به پيروان خویش هدايت مي‌فرماید تا در نشر و تبليغ دين خط مشی حکيمانه را تعقيب نمايند و بر اساس حکمت ، گفتار نیک و کردار نیک مردم را به دين اسلام جلب و از جبر و اکراه جلوگیری بعمل آرند . « أدع إلى سبيل ربك بالحكمة والوعظة الحسنه وجادلهم بالتي هي أحسن » (النحل : ۱۲۵) « ای پیامبر: مردمان را با سخنان استوار و به و اندرزهای نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان و با ایشان با شیوه هر نیکو تر گفتگو کن »

بنابر همین سیاست الهی است : که پیامبر اسلام در اولین قانون مدینه ، بعد از هجرت قید کرد که یهودیها و مسلمانان باهم مشترک زندگی آرام را تشکیل می دهند . و به حق آنان در ماندن به دینشان اعتراف کرد . دين مقدس اسلام خود را حافظ و نگهبان ادیان آسمانی دانسته و وظیفه خود میداند که با دفاع از این ادیان برخیزد . زیر تضعیف ادیان گذشته موجب تضعیف دين مقدس اسلام و تضعیف اسلام موجب وهن و سستی سائر ادیان را در پی خواهد داشت . اسلام ، مهمترین دلیل ، بر سالت حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه اسلام بوده و هست و هر گونه خدشه در اصالت اسلام ، موجب خدشه در حقانیت آنان خواهد بود . « ودت طائفة من اهل الكتاب لو يضلونكم وما يضلون الا انفسهم وما يشعرون » ( گروهی از اهل کتاب ، دوست دارند تا شما را گمراه کنند در حالی که جز خودشان را گمراه نمی کنند . )

حضرت عمر (رض) خلیفه دوم اسلام مسیحیهای ساکن بیت المقدس را امان داد گفت : « زندگی مسیحیها ، کلیساها و صلیبهای آنان در امان هستند به هیچ کس به سبب دینش ضرر نمی رسد ویر انجام کاری مجبور نمی گردد . »

ولی باتأسف باید گفت که در جهان امروزی ما : برخی از حلقات مذهبی تلاش ها و مجاهدات خویش را در تضعیف دين مقدس اسلام براه انداخته اند ، و به براه انداختن تبلیغات حتی برقرآن عظیم الشان و پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و سلم نیز رحم نه نموده و بطور تمسخر آمیز به چاپ کاریکاتور های رسول مقبول بشریت مبادرت ورزیدند . و به تادیبه پول و امتیازات مادی تلاش میورزند تا مسلمانان را بخصوص مسلمانان کشورهای فقیر اسلامی از جمله در کشور عزیز ما افغانستان مسلمانان را به دین نصرانی جلب و جذب ، نمایند . ولی آنان با این عمل خویش ، خود آگاه به خود و ادیان آسمانی و ابراهیمی ضربه می زنند زیرا تضعیف اسلام ، به عنوان دینی واقعی و حقیقی که انسان را به سوی خالق مدبر و حکیم دعوت می کند ، تضعیف همه ادیان ابراهیمی بشمار خواهد رفت .

ما یقین داریم به جز « وما يضلون الا انفسهم وما يشعرون » به این عمل گمراه کننده بجز اینکه خود و نفس های خویش را فریب دهند نتیجه و ثمره دیگری را بدست نخواهند آورد .

ختم

مدیر مسؤل مرکز فرهنگی دحق لاره – جرمنی